مطالب

[آشنایی با زندگی امام صادق (ع) 1](#_Toc428184302)

[خلفای زمان امام صادق (ع) 2](#_Toc428184303)

[فعالیت‌های فرهنگی امام صادق (ع) 2](#_Toc428184304)

[خصوصیات زمان زندگی امام صادق (ع) 3](#_Toc428184305)

[چند نکته 8](#_Toc428184306)

[معرفی شخصیت حاج احمد آقا 8](#_Toc428184307)

[دشمنی آمریکا 10](#_Toc428184308)

امام صادق ـ شخصیت شناسی ـ احمد خمینی

نماز جمعه شهرستان میبد حاج آقای اعرافی (4/1/74)

خطبه اول

**«بسم الله الرحمن الرحیم و صلی الله علی سیدنا محمد و آ له الاطیبین الاطهرین سیما بقیه‌الله فی الارضین»**

«اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطانُ فَأَنْساهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ أُولئِكَ حِزْبُ الشَّيْطانِ أَلا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطانِ هُمُ الْخاسِرُون»[[1]](#footnote-1)‏

**«عبادالله اوصیکم و نفسی بتقوالله»**

همه شما برادران و خواهران گرامی و خودم را به تقوای خداوند و ذکر و یاد او و شکر و سپاس بر نعمت‌های بیکران الهی و صبر بر سختی‌ها و ناملایمات و بندگی خالصانه او سفارش و دعوت می‌کنم خداوندا تو را به اولیاء و مقربان درگاهت قسم می‌دهیم به همه ما در سال جدید و در طول سال توفیق و خیر و برکت عنایت بفرماید.

## آشنایی با زندگی امام صادق (ع)

همان طور که خواهران و برادران می دانید در هفته آینده روز یکشنبه، روز شهادت مولایمان و امامان امام ششم حضرت امام صادق (ع) است و به همین مناسبت هم من در این هفته از سال و در این جایگاه نماز و بندگی خداوند، بحثم در خطبه اول پیرامون شخصیت والای این کوکب هدایت و درّ ولایت حضرت امام جعفر صادق (ع) خواهد بود. امام صادق (ع) ششمین امام ما و فرزند امام باقر و از سلاله پیامبر بزرگوار اسلام (ص) است. آن حضرت در مدینه در 17 ریبع در سال 83 هجری متولد شده‌اند. این تولد ایشان هست که در مدینه بود و در سال 83 بود، در این دو قسمتش اختلافی نیست؛ اما در روز میلاد و ولادت این امام بزرگوار نظر مشهور همان است که روز 17 ربیع و همزمان با تولد جدّ بزرگواش حضرت محمدبن عبدالله (ص) بوده است؛ اما بعضی از مورخین هم ولادت ایشان را طبق آنچه که مرحوم علامه مجلسی نقل کرده از مرحوم کفعمی پانزده یا اول رجب دانستند که این قول ضعیف است و در ولادت ایشان تقریباً اختلاف زیاد نیست و خیلی روشن است که 17 ربیع و در سال 83 هجری بوده است. در شهادت ایشان هم اختلاف زیادی نیست، برخلاف بعضی از تولدها و شهادت‌ها که اختلاف و اقوال زیادی هست. در زندگی امام صادق (ع) در مورد این دو جریان اختلاف زیادی بین مورخین نیست. شهادت ایشان هم طبق قول بسیار مشهور و معتبر همان 25 شوال در سنه 148 هجری است که این هم قول مشهور و معتبری است که 25 شوال بوده که هفته آینده روز یکشنبه است. البته یک قول ضعیفی هم هست که در شهادت ایشان در 15 رجب بوده و در سال ولادت و شهادت ایشان قول مخالف بسیار ضعیف است. تولد ایشان در سال 83 هجری و شهادت آن بزرگوار و مولای ما و بنیانگذار فقه جعفری در همان 148 هجری هست و شهادتشان هم با سم بود و به دست عوامل حکومت بنی عباس و منصور دوانیقی بود و طبق این قول بسیار مشهور و معتبر، عمر مبارک شریف حضرت امام صادق (ع) 65 سال بود. برای مادر بزرگوارشان هم اسامی مختلفی نقل‌شده و آن طورکه در بعضی اقوال آمده همان ام فروه هست و پدر بزرگوارشان هم امام پنجم، حضرت امام باقر (ع) است. این مختصری از زندگی و مشخصات اولیه این امام بزرگوار است و مدت امامت ایشان هم نسبتاً دوره طولانی و مدت زیادی است. سی و چهار سال دوره امامت ایشان‌هاست و حدود 12 سال از عمرشان ایشان در زمان امام سجاد جد بزرگوارشان است. مقدار بعدش در زمان پدر بزرگوارشان هست و 34 سال هم از عمر مبارکشان دوره امامت این امام بزرگوار و عظیم الشأن ما شیعیان و این شخصیت بزرگ عالم اسلام هست و در این 34 سال امامتشان هم در اوائل امامت ایشان هست که حکومت بنی امیه فرو ریخت و قدرت پوشالی و ستم پیشه بنی امیه تمام شد و در زمان ابراهیم بن ولید و سپس مروان حمار که حکومت مروان بود که ادامه حکومت بنی امیه بود به پایان رسید و در زمان ایشان پایه‌های بنی عباس با ظلم و ستمی که کردند و جنایاتی که انجام دادند، پایه حکومت غاصبانه خودشان را ریختند.

###

### خلفای زمان امام صادق (ع)

 سفاک و منصور، دو خلیفه بنی‌عباس هستند که امام صادق (ع) معاصر این دو بوده و از ناحیه این‌ها مخصوصاً از ناحیه منصور دوانیقی ظلم و ستم زیادی به حضرت متوجه شد. این اجمالی از زندگی و جنبه‌های ظاهری زندگی امام صادق (ع) است. همه برادران و خواهران این را می‌دانید و می‌دانیم که امام صادق (ع) در بین ما و از دیدگاه شیعه یک وضع و موقعیت بسیار مخصوصی داشته‌اند و دوره امامتشان دوره طولانی بوده و عمرشان هم نسبت به ائمه معصومین عمر طولانی‌تری بوده و دوره امامتشان هم 34 سال بوده که دوره نسبتاً طولانی بوده و زمان ایشان هم یک‌زمان بسیار مخصوصی بود.

###

### فعالیت‌های فرهنگی امام صادق (ع)

 خدمات ایشان و فعالیت‌های گسترده فکری و فرهنگی ایشان هم به‌قدری زیاد است که حتی بعضی از عامه و اهل تسنن نقل کردند تا 4000 نفر از امام صادق (ع) در زمان خودشان حدیث نقل می‌کردند. البته گاهی گفته می‌شود که ایشان در جلسات درسشان نفر 4000 شرکت می‌کردند. شاید به این شکل نباشد، البته در جلسات حدیث، درس‌ها و بحث‌های ایشان افراد زیادی شرکت می‌کردند؛ چه از شیعه و چه از اهل تسنن، منتها بعضی تا 4000 هزار نفر اسامی جمع کردند که در همان زمان از خود ایشان یا از قریب به اصل ایشان، افراد و محدثین حدیث از آن حضرت نقل می‌کردند. این دایره کار علمی و فرهنگی وسیع امام صادق (ع) است که در زمان ایشان بود. کار علمی و فرهنگی مقداری از زمان امام باقر (ع) شروع شد و در زمان امام صادق (ع) به اوج خودش رسید. فعالیت‌های فکری پایه‌گذاری فرهنگ گسترده شیعه و توسعه در معارف دینی و معارف شیعه و شاید دیگر به‌طور مطمئن می‌شود گفت که هیچ‌کدام از ائمه بزرگوار ما این زمینه و فرصت گران‌بها برایشان پیش نیامد که این‌طور در حد وسیع به کار علمی، فقهی، کلامی و حدیثی بپردازد و معارف شیعه را و معارف اسلام را غنی کند. این فرصت بسیار ویژه‌ای بود که در زمان امام صادق (ع) پدید آمد. در زمان امام صادق (ع) که بعضی‌اوقات هم من اشاراتی بر زندگی ایشان کرده‌ام الآن هم در همین زمینه می‌خواهم چند نکته‌ای را عرض کنم که به ترتیب هم این نکات را خدمتتان تقدیم می‌کنم و قابل‌توجه هم هست.

 ما باید بیش‌ازحد بازندگی ائمه‌مان، مخصوصاً زندگی امام صادق (ع) و سیره آن‌ها و فکر آن‌ها و معارف آن‌ها آشنا باشیم. شیعه بودن اساس و پایه‌اش از آشنایی با اهل‌بیت و ائمه معصومین (ع) شروع می‌شود. نمی‌شود ما و شما ادعا کنیم که شیعه امیرالمؤمنین (ع) هستیم شیعه امام صادق (ع) هستیم؛ اما بازندگی آن‌ها، با سیره آن‌ها و با معارف آن‌ها آشنا نباشیم. هر بار هم که به مناسبتی من بحث زندگی اهل‌بیت (ع) یا یکی از ائمه را اینجا مطرح می‌کنم، واقعاً انگیزه و هدف این است که هم برای خود من یادآوری و یادگرفتن داشته باشد و هم برای شما خواهران و برادران در هر مناسبتی و هر فرصت مناسبی بازندگی خود ائمه، اصحاب ائمه و سیره ائمه آشنا شوید.

###

### خصوصیات زمان زندگی امام صادق (ع)

زمان و دوره زندگی امام صادق (ع) چند خصوصیت داشت. این خصوصیات اینجاوآنجا گفته‌شده، شاید خود من هم بعضی از اوقات گفته باشم؛ اما بازهم توجه به این مطالب لازم است و مخصوصاً خواهران و برادرانی که سن کمتری دارند و جوان‌تر هستند باید واقعاً در مورد این قضایا دقت کنند تا امامانشان را بشناسند. زمان امامت امام صادق (ع) زمانی است که چند خصوصیت دارد و به خاطر همان خصوصیت‌ها هم امام صادق (ع) یک مشی مخصوص و شیوه خاصی را در دوره امامتشان انتخاب کردند.

#### خصوصیت اول

 یکی از این خصوصیت‌ها این است که ازنظر ظاهری سرزمین‌های مسلمانان توسعه پیداکرده بود. شاید همه شما این را بدانید که در زمان خلفا و بعد هم در زمان بنی‌امیه توسعه ظاهری جوامع اسلام ادامه داشت، بااینکه اهل‌بیت و ائمه ما کمتر در این توسعه ظاهری دخالت داشتند؛ اما لشکر اسلام در همان دوره خلافت خلفای غاصب درعین‌حال مناطق جدیدی را فتح می‌کردند. زمان خلفا؛ یعنی زمان ابوبکر، زمان عمر و تا حدودی زمان عثمان و بعد هم‌زمان بنی‌امیه حوزه نفوذ و گسترش دولت اسلامی توسعه پیدا می‌کرد و همین‌طور تا زمان بنی‌عباس هم ادامه داشت، البته بعد کمی کمتر شد. این‌یک جهت است که دنیای اسلام ازنظر ظاهری خیلی وسیع شده بود، این ازنظر کمی است؛ یعنی زمان بنی‌امیه هم ادامه داشت، سرزمین‌های زیادی فتح می‌شد، کشورهای زیادی دروازه‌هایش به روی سربازان اسلام گشوده می‌شد و همین‌طور توسعه پیدا می‌کرد و ازنظر ظاهری حسابی گسترش پیداکرده؛ اما ازنظر معنوی دقیقاً روزبه‌روز دنیای اسلام ضعیف می‌شد؛ یعنی همان اندازه که مناطق جدیدی فتح می‌شد و حوزه نفوذ دنیای اسلام گسترش پیدا می‌کرد به همان اندازه از معنویت دنیای اسلام و واقعیت دنیای اسلام کم می‌شد، دیگر آن سربازان و مجاهدان مخلص و فداکار، زنان پیامبر بزرگوار اسلام، آن مجاهدان راستینی که برای خدا و احیای اسلام و آن اسلام راستینی که پیامبر (ص) فرمود و اهل‌بیت (ع) ادامه می‌دادند، آن مجاهدان و انسان‌های مخلص دیگر روزبه‌روز کم می‌شدند. این‌یک جهت که زمان امام باقر (ع) و زمان امام صادق (ع) زمانی است که توسعه ظاهری خیلی زیاد شده و سرزمین‌های جدید زیادی به دنیای اسلام افزوده‌شده؛ اما در روح اسلام و آن معنویات اسلام و اهداف الهی خیلی ضعیف شده بود. خلافت خلفای غاصب و خلافت بنی‌امیه و بعد هم بنی‌عباس، معنویت دنیای اسلام را تا این اندازه به حداقل رسانده بود.

 این خیلی حرف است و فرمایش بسیار بزرگی است که وقتی‌که به امام صادق (ع) پیشنهاد کردند که شما پیروانی دارید و چرا قیام نمی‌کنید؟ امام صادق (ع) فرمودند: اگر ده انسان خالص داشتم، قیام می‌کردم. قریب به این مضمون است؛ یعنی انسان‌های خالص، مجاهدان واقعی، افرادی که برای اسلام و برای خدا بخواهند قدم بردارند، این‌قدر کم شدند که حتی ممکن است به عدد انگشتان دست هم نرسند؛ یعنی ظاهر دنیای اسلام خیلی وسیع شده؛ اما واقعش خیلی ضعیف شده، این‌یک جهت بسیار مهمی است که از همان شروع غصب خلافت شروع شد و زمان امام صادق (ع) هم به اوج خودش رسیده بود و به همین دلیل هم بود که بارها پیشنهاد قیام و حرکت‌های ظاهری به ائمه می‌دادند و آن‌ها زمینه را آماده نمی‌دیدند. برای ما و شما... است این‌که دنیای اسلام به‌ظاهر توسعه پیدا کند، این ارزش ندارد، قلب‌های مؤمن و ایمان‌های پاک و نیت‌های خالص ارزش دارد و آن اساس است که باید آن را حفظ کرد. این‌یک جهت از جهات زمان زندگی امام صادق (ع) بود.

####  خصوصیت دوم

 جهت دیگری هم که وجود داشت این بود که در زمان امام صادق (ع) دو جریان فرهنگی شروع‌شده بود، خیلی هم خطر داشت و منشأ خطر برای دنیای اسلام بود. دو موج جدید در دنیای اسلام پدید آمده بود، این‌ها چه بود:

 یکی موج فرهنگ‌ها، فلسفه‌ها و تفکرات بیگانه از دنیای اسلام که وارد جهان اسلام شده بود، از یونان و کشورهای دیگر. چون دنیای اسلام وسیع و مرزهای آن توسعه پیداکرده بود، راه هم برای آن‌ها بازشده بود؛ کتاب‌هایشان، افرادشان، متفکرانشان و فرهنگ‌های بیگانه در دنیای اسلام راه پیداکرده بودند. فرهنگ‌های بیگانه وجود داشت؛ یعنی یک نوع تعادل فرهنگی وجود داشت. تهاجم فرهنگی اگر داخل مسلمان‌ها قوی باشند هیچ خطری ندارد، گاهی خوب هم هست؛ چون بالاخره حرف‌های دیگر می‌آید و در تقابل با آراء اسلام که قرار می‌گیرد، نظر اسلام روشن‌تر می‌شود. از این نباید هیچ وحشتی داشت؛ اما اگر افرادی نباشند که از اسلام دفاع کنند، اینجاست که هجوم فرهنگ‌های بیگانه می‌تواند منشأ خطر باشد. این هم جهتی بود که در زمان امام صادق (ع) شدیدتر شده بود. افراد زیادی از فرهنگ‌ها، فلسفه‌ها و فکرهای دنیای غربی اسلام آمده بودند و حتی در همان مکه و مدینه بودند، یعنی در متن حکومت اسلام و کشور، شهرهای مهم دنیای اسلام متفکرینشان آمده بودند. کتاب‌هایشان شروع به ترجمه‌شده بود. مطالب این متفکرین چیزهای تازه‌ای بود. اگر افراد قوی نباشند که از اسلام دفاع کنند؛ این‌ها می‌تواند دنیای اسلام را منحرف کند. این موجی فرهنگی بود.

 جهت دیگرش هم این بود که در مقابل شیعه و فکر تشیع، مذهب‌های انحرافی، فقه و کلام‌های انحرافی که از تسنن بود و در مقابل اهل‌بیت (ع) قرارگرفته بودند، رشد پیداکرده بودند. خلفای بنی‌امیه هم در اواخر کارشان و بعد خلفای بنی‌عباس از همان زمان سفّاح و منصور بگیرید تا زمان مأمون جلو بیایید، خلفا هر دو جریان را مقابل اهل‌بیت (ع) تقویت می‌کردند؛ یعنی برای این‌که مشعل ولایت را تضعیف کنند، برای این‌که امامت امام صادق (ع)، امام باقر (ع)، امام کاظم (ع) و آن امامان بزرگ و سلاله پاک رسول‌الله (ص) را ضعیف و خاموش کنند، هم جریان فکرها و فلسفه‌های دنیای غیر اسلام، هم مذهب‌ها، فرقه‌ها، افراد و فکرهای انحرافی را تقویت می‌کردند؛ چرا؟ برای این‌که در خانه امام سجاد (ع)، امام باقر (ع)، امام صادق (ع)، امام کاظم (ع) و ائمه دیگر بسته باشد و از این خانه‌های نور و هدایت، مردم هدایت نشوند، این غرض خلفا بود. این هم خصوصیت دیگری بود که در زمان امام صادق (ع) وجود داشت. پس خصوصیت اول این بود که ظاهراً دنیای اسلام توسعه پیداکرده بود؛ اما در باطن روح ایمان ضعیف شده بود و خصوصیت دوم این بود که فکر، فلسفه و فرهنگ‌های ضد الهی وارد دنیای اسلام شده، این برای دنیای اسلام خطر بود. جهت سوم این بود که در داخل دنیای اسلام، خلفا، منحرفین را تقویت کردند. جریان‌های فقهی و کلامی انحرافی، ابوحنیفه‌ها و مالک‌ها را در مقابل اهل‌بیت (ع) تقویت کردند. این هم جریان و نکته سوم در زمان امام صادق (ع) بود.

 از نظر سیاسی هم امام صادق در یک دوره انتقال قدرت بود، بنی‌امیه ضعیف شده بودند. عده‌ای قیام کردند و بنی‌عباس از آن استفاده کردند و جریان بنی‌عباس روی کارآمد. این هم جهت چهارمی بود که در زمان امام صادق (ع) بود. حال در این شرایط انسان هر طور حساب کند ازآنچه امام صادق انجام داد واقعاً شاید بهتر نشود تصور کرد. امام صادق (ع) یک تنه به‌عنوان یادگار پیامبر بزرگوار اسلام حضرت محمد بن عبدالله (ص) با آن فضل، با آن علم، با آن کمالات الهی و در این شرایط فرهنگی و سیاسی مخصوص دنیای اسلام، درحالی‌که کیان دنیای اسلام، کیان فکر و فرهنگ تشیع در معرض خطر بود، زمینه را برای هیچ کار سیاسی ظاهری مناسب ندید و به کار فرهنگی و عمیق سیاسی پرداخت. این کار امام صادق (ع) بود و در عصر ایشان آن تعداد زیاد از محدثین، فقها، متکلمین و اصحاب بزرگ تربیت شدند و فکر و معارف اسلام را از خطرها حفظ کردند. در همین زمان‌ها، جهان اسلام و شیعیان نیاز به این دارند که خودشان آگاه باشند و پیشاپیش آن‌ها عالمان، مجتهدان و متفکران بزرگی باشند که فکر شیعه و فکر اسلامی را از خطرها حفظ کنند. این ضرورت همیشگی حرف مکتبی است. امام صادق (ع) با آن دست غیبی که ایشان را هدایت می‌کرد و با آن میراث گران‌بهایی که از پیامبر اسلام (ص) و اجداد طاهرینش به ارث برده بود؛ در این شرایط شیعه، اسلام و تفکر اسلام را حفظ کرد. این کار امام صادق (ع) بود. آن شاگردان، آن اصحاب بزرگ، زراره ها، محمد بن مسلم‌ها و شخصیت‌های بسیار بزرگی که در زمان امام صادق (ع) تربیت‌شده‌اند و اکثر روایاتی که امروز، ما در معارف و فقه داریم و برای شیعه و جهان اسلام مهم‌ترین ذخایر فکری و فرهنگی است، بخش اعظمش مربوط به زمان امام صادق (ع) است. البته خلفا متعرض می‌شدند و ایشان سختی‌های زیادی را متحمل می‌شد. مخصوصاً اواخر عمرشان؛ چون اواسط عمر شریفشان و اوایل امامتشان؛ یعنی اواخر امامت امام باقر و اوایل امامت امام صادق، دوره فترتی بود که بنی‌امیه ضعیف بودند. بنی‌عباس بر کار مسلط نشده بودند. این‌ها زمینه‌ای داشتند. خیلی کارکردند. اصحابشان هم آزادتر بودند. هرچقدر می‌گذشت و پایه‌های خلافت غاصبانه بنی‌عباس قوی‌تر می‌شد، آزادی‌های امام صادق و اصحاب ایشان محدودتر می‌شد و عاقبت آن حضرت با سم به شهادت رسیدند. چون دشمن می‌دانست که تربیت نیروی فکری درست، پرورش افراد با معارف صحیح اسلامی و ساختن انسان‌هایی که برای ایمانشان تا پای جانشان بایستند، خیلی برای غاصبان و خلفای غاصب خطر داشت. این کار امام صادق بود و لذا هرچقدر قوی‌تر می‌شدند، این‌ها را محدودتر می‌کردند. این زندگی امام صادق است که قبلاً هم اجمالاً گفته‌ام، به بعضی از قسمت‌هایش الآن اشاره تازه‌ای کردم. در زندگی شخصی و عبادی امام صادق (ع) هم نکات زیاد و حساسی به چشم می‌خورد که من به چند نکته در این زمینه در پایان این خطبه اشاره‌ای می‌کنم.

 مالک بن انس که خودش از شخصیت‌هایی است که شیعه هم نیست؛ اما درعین‌حال از شاگردان امام صادق بوده و از محضر امام صادق (ع) استفاده‌های فراوانی برده. جایی در مورد امام صادق (ع) اظهارنظری دارد که خیلی جالب است. مالک بن انس که عرض کردم شیعه هم نیست، ولی درعین‌حال از امام صادق (ع) استفاده‌های زیادی کرده، در نقلی که سندش هم نسبتاً خوب است، این‌طور از مالک بن انس نقل می‌کنند، می‌گوید: من برای استفاده از محضر ایشان زیاد خدمت ایشان مشرّف می‌شدم و بعد می‌گوید: من امام صادق (ع) را در طول این دوره طولانی که به حضورشان می‌رسیدم و از ایشان استفاده می‌کردم این‌طور یافتم، **«کان رجلاً لا یخلوا من اهدی ثلاث خصال امّا صائماً و امّا قائماً و امّا ذاکرا»** می‌گوید: من در طول این دوره طولانی که خدمت شخصیت امام صادق (ع) بودم ایشان از یکی از حالات خالی بنود یا روزه بود یا در حال اقامه نماز بودند و یا به ذکر خداوند مشغول بودند و بعد می‌گوید: **«و کان من عظماء... و اکابرالزهاد الذین یخشون الله عزّوجلّ»** می‌گوید: امام صادق (ع) از بزرگان عباّد بود، از عابدان بزرگ بود و از زهاد عظیم‌الشأن بود که همواره ترس خدا بر قلوب آن‌ها حاکم است. **«و کان کثیر الحدیث ... المجالسه کثیر الفوائد»** زیاد سخن می‌گفت و حدیث زیادی از ایشان شنیده شد. مجلس بسیار خوب و با خیروبرکتی داشت. مثل مجلس‌هایی نبود که حدود سه ساعت بگذرد، بدون هیچ استفاده علمی یا اخلاقی و معنوی، مجلس ایشان، مجلس بابرکتی بود و زیاد از ایشان فایده به دیگران می‌رسید. مجلس ایشان بسیار قابل استفاده بود. این ترسیمی از شخصیت امام صادق (ع) به‌وسیله مالک است. بعد در آخر هم جمله‌ای در مورد عبادت امام است. در دو نکته اضافه می‌کند که خیلی نکته‌های جالبی است. توجه بفرمایید؛ می‌گوید: امام صادق (ع) این‌طور بود که هر وقت نام پیامبر بزرگوار اسلام حضرت محمد بن عبدالله (ص) می‌برد، رنگ ایشان تغییر می‌کرد. خیلی جالب بود در حدیث دیگری هم دارد که وقتی امام صادق (ع) اسم جدّ بزرگوارشان را می‌شنیدند، خم می‌شدند و بر ایشان صلوات می‌فرستادند. نسبت به پیامبر بزرگوار اسلام (ص) این‌طور تعظیم داشتند. می‌گوید: وقتی‌که اسم پیغمبر را می‌برد، اصلاً رنگش تغییر می‌کرد، آن‌ها می‌دانستند پیغمبر کیست و مقامات و درجات عالیه و معنوی پیامبر اسلام چیست. رنگ حضرت تغییر می‌کرد در حدی که گاهی چهره ایشان کاملاً عوض می‌شد. این‌طور وقتی‌که یاد پیغمبر می‌کردند، حالشان عوض می‌شد و تعظیم می‌کردند. پیغمبر برای ائمه خیلی به‌مراتب بالاتر قابل‌مقایسه نیست، برای ما شناخته‌شده‌تر بود و ما برایمان عادی است. این‌ها شخصیت‌های بزرگی هستند که داریم، ولی آن‌ها می‌دانستند که پیامبر کیست. این یک قسمت در یاد پیغمبر؛ بعد مالک این‌طور می‌گوید: من یک سال در ایام حج در محضر امام صادق (ع) بودم. برادران و خواهرانی که عازم حج هستند دقت کنند، می‌گوید: من یک سالی در محضر ایشان در ایام حج بودم، وقتی که ایشان سوار بر مرکبشان بودند، برای تلبیه آمدند. می‌گوید: من در خدمت ایشان بودم، دیدم که بارها حضرت با خشوع و خضوعی ایستاد. چندین بار خواست شروع کند به این‌که لبیک بگوید، باز توقف کرد. بارها حضرت تصمیم گرفتند، دیدم باز حضرت رها کردند و نفرمودند. بعد به ایشان عرض کردم که چه شده؟ این‌همه حاجی اینجا آمدند، همه خیلی آسان و راحت می‌گویند «**لبیک اللهم لبیک»[[2]](#footnote-2)**، همه راحت لبیک می‌گویند و به خدا عرض می‌کنند که ما دعوت تو را استجابت کرده‌ایم. خدا هر چه می‌فرمایی، بفرما. معنای لبیک مفهوم خیلی بالایی دارد؛ یعنی خدایا من تسلیمم، از تو اشارت و از من انجام عمل. این مفهوم لبیک در حج است. مالک می‌گوید: حضرت بارها تصمیم گرفت؛ ولی می‌لرزید و لبیک نمی‌گفت، خدمت ایشان عرض کردم که چطور این‌طور صدایتان می‌گیرد و لبیک را نمی‌گویید؟ مردم به این راحتی دارند همه در بارگاه خداوند لبیک می‌گویند! بعد امام صادق (ع) می‌فرماید: نه، این‌طور نیست لبیک می‌گویم؛ اما ترس من این است که من بگویم لبیک، لکن خدا دست ردّ به سینه من بزند. این‌طور معرفت در مقابل خدا دارند. این دو نکته‌ای است که مالک از امام صادق (ع) نقل می‌کند که نکات بسیار جالبی است، یکی این روح بندگی، خضوع و خشوع امام صادق (ع) در بارگاه خداوند است؛ یکی هم احترامی است که برای پیامبر اسلام داشته است. ما و شما هم از ایشان باید این درس را بگیریم. اگر امام صادق این‌طور باشد ما و شما چه؟! هم تسلیم در درگاه خداوند و لبیک واقعی گفتن به خداوند در طول عمر، هم ادای احترام به اولیای الهی و رهبران الهی. این دو درسی است که از زندگی امام صادق (ع) باید بگیریم.

 در چند حدیث نقل‌شده که بارها ایشان در حال نماز بی‌هوش می‌شدند. آن‌قدر **«ایاک نعبد و ایاک نستعین»[[3]](#footnote-3)** را فرمودند و تکرار کردند که بی‌هوش شدند و فرمودند: آن‌قدر تکرار کردم که دیگری بر زبان من آن را اجرا می‌کرد. این درس‌هایی است که از زندگی امام صادق (ع) می‌شود گرفت و آخرین وصیت امام صادق (ع) هم طبق نقل‌های متعدد، وصیت به نماز بود. این‌که شفاعت ما به کسانی که فریضه نماز را کوچک بشمارند نمی‌رسد. این آخرین فرمایش حضرت بود.

 خداوندا به ما توفیق شناخت این اولیای بزرگ خودت و پیروی از سیره و سنت آن‌ها را عنایت بفرما.

«بسم‌الله الرحمن الرحیم انا اعطیناک الکوثر فصل لربک و انحر انّ شانئک هو الابتر»**[[4]](#footnote-4)**

خطبه دوم

**اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم، نحمده علی ما کان و نستعینه من امرنا علی ما یکون و نؤمن به و نتوکل علیه و نستغفره و نستهدیه و نعوذ به من شرور انفسنا و سیئات اعمالنا و نصلی و نسلم علی سیدنا و نبینا العبد المؤید و الرسول المسدد المصطفی الأمجد ابی‌القاسم محمد (ص) و علی امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب و علی صدیقة الطاهرة فاطمة الزهراء و علی الحسن و الحسین سیدی شباب اهل الجنة و علی ائمة المسلمین علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و الخلف القائم المنتظر (عج)، حججک علی عبادک و أمنائک فی بلادک، ساسة العباد و ارکان البلاد و ابواب الایمان و امناء الرحمان و سلالة النبیین و صفوة المرسلین و عترة خیرة رب العالمین صلواتک علیهم اجمعین. اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم «یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ»[[5]](#footnote-5)عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی اللّه وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَّزوا رَحِمَکم اللّه، فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَّحیل وَ تَزَوَّدوا فَإِنَّ خَیرَ الزّاد التقوی.**

همه شما برادران و خواهران گرامی و خودم را به تقوای خداوند، ذکر و یاد او، شکر و سپاس در درگاه او سفارش و دعوت می‌کنم. از خداوند می‌خواهیم که به همه ما توفیق بندگی و اخلاص در بندگی عنایت بفرماید.

روز یکشنبه همان‌طور که عرض شد 25 شوال، روز شهادت امام صادق (ع) است. شهادت این امام بزرگوار را به حضور همه شما خواهران و برادران گرامی تسلیت عرض می‌کنم. در ابتدای خطبه عرض کنم، این‌که در اولین هفته سال نماز جمعه را اینجا برگزار کردیم، روز عید، خواهران و برادران بودند و روز عید فطر اعلام شد که این زمین به‌عنوان مجموعه فرهنگی و جایگاه نماز در نظر گرفته‌شده و اگرچه امکاناتی هم وجود ندارد، به این دلیل این نماز اینجا برگزار شد که اصل جایگاه نماز اینجا تثبیت شود. ان‌شاءالله خواهران و برادران هم هرکسی در حد وسع خودش در این کار بزرگ که البته یک کار بسیار بزرگی است و زمان هم خواهد برد، کمک کنند و دیگران را ان‌شاءالله ترویج و تشویق کنند به این‌که کمک شود؛ اما به‌هرحال برای آینده شهر، مرکزی بزرگ است که مربوط به همه شهر باشد و کانون اصلی تجمعات و ارتباطات دینی، سیاسی و فکری مردم باشد لازم بود و بعد از فکرها و همه مسائل اینجا انتخاب شد، که امیدواریم خداوند این زمین را جایگاه بندگی خودش و اخلاص در بندگی خودش قرار بدهد. البته اینجا تقریباً یک مجموعه بزرگی در نظر گرفته‌شده که بحمدالله زمینه‌های زیادی دارد و در آن مجموعه هم طرح‌های متعددی در ذهن است؛ منتها بر اساس اولویت و برنامه‌ریزی که ان‌شاءالله خداوند توفیق دهد و برادران و مسئولین هم ان‌شاءالله کمک کنند و خود مردم ان‌شاءالله کمک کنند، با مرور زمان این کار و پروژه عظیم شروع خواهد شد و باهمت و دعای شما و بایاری و توفیق الهی ان‌شاءالله به نتیجه خوبی خواهد رسید. من اینجا بیش از این در این زمینه لازم نیست اشاره‌کنم. می‌دانیم کار، کار بسیار بزرگی است، زمان هم می‌برد و نیاز به کمک و حضور خود مردم هم دارد.

## چند نکته

 چند نکته و مبحث دیگر هست که با کمیِ وقت لازم است درعین‌حال به آن اشاره‌ای کنم. در هفته گذشته و روز جمعه بعد از نماز بود که یادگار امام مرحوم حجة الاسلام و المسلمین حاج احمد آقا به لقاء خدا پیوستند و امت ما، این شخصیت والا و بزرگوار و عظیم الشأن را از دست داد. من ارتحال این شخصیت بزرگ کشور و امت اسلام را به حضور شما برادران و خواهران نمازگزار و حضرت بقیة الله الاعظم و مقام معظم رهبری و بیت رفیع و معظم حضرت امام رضوان الله تعالی علیه تسلیت عرض می‌کنم.

### معرفی شخصیت حاج احمد آقا

 چند نکته هم در مورد شخصیت مرحوم حاج احمد آقا اینجا لازم است اشاره‌ای شود. واقعاً من احساس می‌کنم که وظیفه است که این چند نکته را عرض کنم. مرحوم حاج احمد آقا واقعاً از افرادی بودند که شاید بتوان گفت: فداکاری و مجاهدت ایشان کم نظیر است و بعد از آن شهادت مرحوم حاج آقا مصطفی، آن مجتهد بزرگ و فرزند ارشد امام. واقعاً استوانه زندگی امام مرحوم حاج احمد آقا بود و در ابعاد مختلف شاید بتوان گفت که رکن و عمود خیمه بیت امام بود.

 حالا در جهات مختلف هم نکاتی وجود دارد که من به چند نکته در شخصیت ایشان اشاره می‌کنم. اولاً، مرحوم حاج احمد آقا از نظر هوش و استعداد واقعاً یک آدم قوی و فوق العاده ای بود. با این‌که ایشان به خاطر مسئولیت‌های سنگین انقلاب کمتر توانستند به تحصیلاتشان ادامه بدهند و در حوزه باشند؛ اما در عین حال از نظر هوشی و استعدادی رتبه و درجه بسیار بالایی داشت و من درحدی که یادم می‌آید حدود شش ماهی در درس یکی از بزرگان، حضرت آیت العظمی فاضل لنکرانی، سال 56 شرکت می‌کردند، من هم آن سال در درس ایشان شرکت می‌کردم. یادم هست که ایشان هر روز در درس اشکال می‌کرد و خوب هم اشکال می‌کرد و با همه مشکلاتی که همان زمان هم داشت و سختی‌هایی که اصولاً دستگاه طاغوت برای بیت امام ایجاد می‌کرد؛ در عین حال ایشان از نظر استعدادی و تحصیلی وضع مطلوب و خوبی داشت. اهل کار هم بود. البته بعد از انقلاب و شروع موج انقلاب دیگر یار جدی و مشاوری برای امام شد که قطعاً در این زمینه‌ها فداکاری کرد. ایشان، کسی بود که زندگی علمی خودش را برای خدمت به انقلاب، اسلام، امام آن مرد یگانه عالم اسلام، آن شخصیت کم نظیر عالم اسلام فدا کرد و این واقعاً برای ما ارزش دارد. کمالات حاج احمد آقا سر جای خودش؛ اما اگر هیچ کدام آن‌ها هم نبود، این‌که امام به او علاقه داشت و یادگار امام بود؛ همین برای همه ما کافی بود که ما به او علاقه داشته باشیم و عشق داشته باشیم و آن طور ابراز محبت و ارادت به بیت امام و خاندان رفیع امام کنیم. این حقی است که امام به ما دارد و در طول تاریخ و عصر ما هیچ کس بر ما و بر شیعه حقی مانند امام ندارد. امام اسلام را زنده کرد، امام تشیع را احیاء کرد، امام جان تازه ای به ما داد، امام جلوی انحراف ما، جلوی سقوط دین ما و اسلام را گرفت. هر چه در فضیلت آن مرجع بزرگ و رهبر یگانه عالم اسلام بگوییم، کم گفتیم.

 طبیعی است که هر کس هم به ایشان منتصب باشد برای ما ارزش دارد. خاندان امام برای ما محترم هستند. حاج احمد آقا یک سرباز مجاهد و فداکاری بود که کمر همت را بر حراست، حفاظت و دفاع از امام بسته بود. این یک نکته در شخصیت احمد آقا است. این‌که امام آن طور به او اعتماد داشت؛ این از موارد کم نظیر اعتماد امام است. البته امام گاهی اعتمادهایی را اظهار می‌کردند و با گذشت زمان خودشان مصالحی می‌دیدند و بعد هم برای مردم روشن می‌کردند. مثلاً، در دولت موقت یا در زمان بنی صدر، گاهی برحسب شرایطی امام اظهار اعتماد به کسی می‌کردند؛ ولی زود قضیه روشن می‌شد؛ اما مرحوم حاج احمد آقا مورد اعتماد دائمی و مستمر امام تا لحظه ارتحالشان بود. آنطور اعتمادی که در وصیت نامه‌شان نوشتند که این وصیت نامه را در وهله اول احمد برای مردم بخواند. این چیزی بود که امام فرمودند و در نوشته‌های متعدد بارها تأکید کردند که احمد برای من مشاور امین و کاملاً مورد اعتماد است؛ حتی در هجرتشان به پاریس، در پایان همان وصیت نامه اشاره کردند که من تنها با احمد در این قضیه مشورت کرده بودم؛ یعنی واقعاً امام در احمد، هوش، فراست، آینده بینی، سیاست و دقتی می‌دیده که این‌طور به او اعتماد داشت و او هم همه وجودش را برای حفظ و دفاع از امام تقدیم کرد. در آن سنین کهولت امام و مشکلات و جریانات جنگ و آن سختی‌ها واقعاً احمد آقا نقش بسیار مهمی در سلامت ظاهری و دفاع از امام ایفا کرد. این برای ملت ما محترم است و ملت ما قدر این شخصیت را از این جهت می‌دانست. این‌که امام در وصیت نامه و نامه‌های دیگر در شرایط مختلف، حتی در آن نامه عرفانی بسیار زیبایی که امام برای احمد آقا دادند، اظهار اعتماد صددرصد به احمد آقا کردند، این برای احمد آقا نکته بسیار مهمی است و برای ما هم آموزنده است که این طور مورد اعتماد ولی امر زمان خودش و آن رهبر عظیم الشأن جهان اسلام بود. این از جهت اعتماد امام به او و نقش بسیار بزرگی که ایشان در زمان جنگ، انقلاب، هجرت امام از نجف به پاریس ودر شرایط بسیار سخت کشور، رشید، با صلابت و با قدرت تمام در کنار امام ایستاد و مورد اعتماد امام بود و همین برای او افتخار بزرگی است. بعد از امام هم این برگ حساس زندگی ایشان بود. بعد از امام هم واقعاً آدم هر چه حساب کند، امتحان بسیار خوبی داد و هم آن چه که امام می‌خواست و خبرگان امت آن را تشخیص دادند، به خوبی کمر همت بر دفاع از آن طرح در همان سالهای آخر که از ناحیه بعضی از دوستان امام خطر متوجه شده بود و کسانی که آن‌ها انتظار نمی‌رفت که آنطور به امام و آرمانهای امام پشت کنند؛ او رنج امام را به مردم منتقل کرد و از آن مظلومیت امام دفاع کرد و برای مردم تبیین کرد. من نیاز به توضیح در این زمینه نمی‌دانم، ولی خود شما می دانید قضیه چه بود.

 مرحوم احمد آقا جانفشانی کرد، فداکاری کرد، آبروی خودش را برای اسلام و دفاع از اسلام در آن قضیه و بسیاری از حوادث دیگر تقدیم کرد و از آبروی خودش گذشت و مجاهدت کرد. البته ملت هم او را شناختند و قدردانی کردند. بعد از امام هم در برابر همه توطئه‌ها و دسیسه‌هایی که از داخل و بیرون اعمال می‌شد، برای این‌که ولایت و مقام زعامت امت تضعیف شود، آن جایگاه و بارگاه و شأن مناسب را نداشته باشد، حاج احمد آقا با اشاره امام و با فداکاری و از خود گذشتگی خودش، از مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای دفاع کردند و از حامیان درجه اول ولایت ایشان و رهبری ایشان بودند و تا آخر هم همین طور بود. جالب این است که ایشان تا همان دو هفته قبل از ارتحالشان، در یک سخنرانی به شدت مردم را ترغیب کرد که ما باید در مسیر دفاع از ولایت و رهبری مقام معظم رهبری باشیم. ایشان حتی روی خود ریاست محترم جمهوری با تأکید تمام راه را نشان دادند و به عنوان یادگار امام خط سیر آینده انقلاب را مشخص کردند. علی رغم این‌که زمینه‌های زیادی بود که کسانی بخواهند سوء استفاده کنند و بهره اشتباهی ببرند؛ اما ایشان هیچ گاه این مسیر نورانی ولایت و امامت و رهبری مقام معظم رهبری را رها نکرد و از راه امام و راه ولایت دفاع کرد. این هم برگ بسیار درخشنده و نورانی دیگری است که در زندگی ایشان هست و مطمئناً با آن گواهی که امام درباره او داد با آن گواهی که مقام معظم رهبری درباره او دادند، از نادرترین شخصیت‌هایی است که از اسلام و انقلاب دفاع کرد و با روی سفید به محضر خدا شتافت. خداوند او را رحمت بکند و به همه ما توفیق ادامه راه امام و پیروی از ولایت و امامت را عنایت بفرماید. این مسیر نورانی زندگی این شخصیت بزرگ است و من فکر می‌کنم که اگر کسی به این دو دو تا چهارتایی که من به آن اشاره کردم، دقت کند، راه برای بعضی از چیزهای بسیار ضعیف، باطل و موهومی که گاهی منافقین، بد صفت‌ها و چهره‌های کریه القاء و شایعه می‌کنند، بسته می‌شود و ارزش هم ندارد که در جمع شما نماز گزاران اصلاً قضیه ای در این زمینه طرح شود. شخصیت ایشان، بسیار شخصیت روشن و سرمایه ایشان برای امامت و ولایت یک نقطه روشن در زندگی ایشان بود که امیدواریم به ما هم خدا توفیق این‌طور مجاهدت و فداکاری و دفاع از اسلام و انقلاب را عنایت بفرماید.

### دشمنی آمریکا

من دو نکته دیگر داشتم که یک نکته را انشاءالله برای هفته آینده می‌گذارم. ولی اینجا لازم است که اشاره کنم که در این روزهای اخیر گاهی آمریکا این جا و آنجا مسائلی را مطرح می‌کند، حرف‌هایی را طرح می‌کند و تبلیغاتی را علیه ایران القاء می‌کند. البته آمریکا دشمن ماست. دشمن جدی ماست. هر وقت هم بتواند به ما ضربه می زند. الآن هم در صحنه‌های اقتصادی نقشه می‌کشند، ضربه می‌زنند، کار می‌کنند؛ اما آنچه که مهم است این است که شما مردم علیرغم این دشمنی مقاوم ایستادید. این امت با اتصال به منبع و قدرت الهی بحمدالله یک سدّ پولادینی است که این حرف‌ها نمی‌تواند او را سست کند. من گاهی احساس می‌کنم وقتی که دیروز یکی از برادران می‌گفتند: آدم گاهی تجمعات این امت را که می‌بیند احساس می‌کند که علیرغم همه حرف‌ها و مشکلات و احیاناً خلاف‌ها و تخلفاتی که می‌بیند؛ اما در این جمع و جامعه یک دست الهی، یک نسیم رحمت الهی و یک لطف خاص الهی مشاهده و احساس می‌کند. این لطف و این نسیم رحمت را باید با قلب‌های پاک، با ایمان‌های قوی، با حضور در صحنه حفظش کرد و اگر این قضیه باشد، هیچ خطری متوجه این‌ها نیست، البته ما بایدآماده باشیم و باید بدانیم که دشمنان ما از ناحیه انقلاب ما، از ناحیه آن صلابت، قوت و استحکامی که در رهبری نظام ماست، احساس خطر می‌کنند. در هیچ جای دنیا یک نظام سیاسی با این پشتوانه مردمی و قدرت الهی وجود ندارد. هیچ کدام از رهبران دنیا آن شهامت و صلابت رهبری ما را ندارند. هیچ کدام از ملت‌های دنیا آن آگاهی، رشد، بینش، شعور سیاسی و فرهنگی که در ملت ماست را ندارند. این‌ها نعمت‌های خداست، باید حفظش کرد و اگر این قضیه محفوظ بماند، این حرف‌هایی که حالا باز هم راه می‌اندازند که تسلیحات ایران چطور است و تنگه هرمز امنیت ندارد، به خاطر ایران و امثال این‌ها، واقعاً حرفهای پوشالی و چیزهایی است که بارها آزمایش شده و تجربه نشان داده که این حرف‌ها مفت است و ملت ما خطری برای هیچ جای دنیا و هیچ کشوری نیست؛ اما در عین حال از اسلام، قرآن و راه امام، با همه وجودمان دفاع خواهیم کرد.

 نکته و بحث دیگری بود که انشاالله در هفته آینده، مخصوص راجع به تذکراتی که در آغاز سال جدید، مقام معظم رهبری دادند و چند نکته لازم دیگر است که انشاءالله هفته آینده خدمتتان عرض خواهم کرد. همین جا دیگر سخن را به پایان می‌بریم و ضمن شکر و سپاس به درگاه خداوند، به خاطر باران رحمتی که بر ما فرو فرستاد. خدایا! ما تو را شاکریم و سپاسگذاریم و امروز زیر این آسمان و در درگاه خودت با همه وجودمان تو را شکر و سپاس می‌گذاریم بر این نعمت‌های بیکرانت و امیدواریم که باز هم ما مشمول الطاف و عنایات خودت قرار بگیریم.

**«اللهم ارزقنا توفیق الطاعه و بعد المعصیة و عرفان الحرمة»**

خدایا باران رحمت و برکاتت را بر ما...

1. . المجادلة : 19 [↑](#footnote-ref-1)
2. . مصباح الشريعة، ص: 197 [↑](#footnote-ref-2)
3. . قرآن کریم، سوره حمد [↑](#footnote-ref-3)
4. . قرآن کریم، سوره کوثر [↑](#footnote-ref-4)
5. سوره آل‌عمران، آیه 102. [↑](#footnote-ref-5)